

آثار و برکات اخلاقی - تربیتی سیدالشهداء (علیه السلام)

ایجاد اخلاق جدید در جامعه مسلمین...



1- ایجاد اخلاق جدید در جامعه مسلمین

اگر دیدی که نابینا و چاه است
اگر خاموش بنشنیدی گناه است
یکی از آثار و برکات سیدالشهدا (ع) در بعد اخلاقی - تربیتی این است که قیام او باعث گردید در جامعه مسلمانان نوعی اخلاق جدید بلند نظرانه پدید آید و نظر انسان را به زندگی خود و دیگران، دگرگون سازد تا بتواند بدینوسیله جامعه را اصلاح نماید. و به عبارت دیگر، با خودسازی به دیگر سازی نیز بپردازد.

آری، در آن زمانی که بنیاد روانی و اخلاقی مردم در هم ریخته و ویران شده بود و این ویرانی شامل رهبران مسلمین و بزرگان آنان نیز شده بود و با اخلاق و شیوه‌ای وحشتناک زندگی می‌کردند، امام حسین (ع) یگانه درمان آن حالت بیمار گونه را که در مجتمع مسلمانان مورد قبول واقع شده بود، در قیام آشکار و فریاد در آن سکوت مرگبار دید. لذا آن حضرت با خون پاک خود و فرزندان و یارانش و با همه اعتبارات احساسی و تاریخی، حتی شمشیر و عمامه جدش رسول خدا (ص)، وارد مبارزه گردید تا همه روزنه‌ها و راههای توجیه را فرو بندد.

سیدالشهدا (ع) نیک دریافته بود که وجدان شکست خورده و اخلاق پست امت را نمی‌توان به وسیله رویارویی ساده دگرگون ساخت، از این رو با قیام و شهادت خویش دیری نپایید که اخلاق هزیمت و فرار را به نیرویی عظیم درآورد و اخلاق جدیدی به جای آن جایگزین نمود. براستی شهادت حسین بن علی (ع) تأثیر ژرف و شگرفی بر شیعیان ساکن و ساکت بجای گذاشت، و سرنوشت غم انگیز نواده پیامبر اکرم (ص) عواطف اخلاقی و مذهبی مردم را بهم ریخت.

در اثر قیام و شهادت امام حسین (ع) موجی در روح مسلمین به وجود آمد، حمیت و عزت، شجاعت و صلابت به وجود آمد، و احساسات بردگی و اسارتی که از اواخر حکومت عثمان و تمام دوره معاویه بر روح جامعه اسلامی حکمفرما بود، تضعیف شد و ترس آنها را فرو ریخت، خلاصه، ابا عبدالله (ع) به اجتماع اسلامی شخصیت داد.

کربلا و قیام سیدالشهدا (ع) نمایشگاه اخلاق عالی اسلامی و انسانی با همه صفات و طراوت آن بود و این اخلاق را نه به زبان که در عمل به خون پاک خویش بر صفحه ماندگار تاریخ به ثبت رسانید.

از پا حسین افتاد و ما بر پای بودیم

زینب اسیری رفت و ما بر جای بودیم

2- احساس گناه در بین مسلمین

یکی دیگر از آثار نهضت و شهادت سیدالشهدا (ع) این بود که مردم پس از مدت کوتاهی متوجه عدم توانایی و ضعف نفس خود شدند، لذا احساس عمیق ندامت و گناه کرده و چنین اندیشیدند که برای جبران این اهمال کاری و غفلت، و نیز برای طلب بخشایش الهی، باید جانبازیهای مشابهی را انجام دهند. و از جمله کارهای امام زین‌العابدین (ع) این بود که کوشید این احساس گناه را شعله‌ور سازد. از این رو به گروه انبوهی از مردم کوفه نهیب زده و فرمود:

«ای مردم، شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا شما فراموش کردید که نامه‌ها برای پدرم نوشتید و چون به سوی شما آمد، به او خدعه و نیرنگ زدید؟! شما با پدرم عهد و پیمان بستید و با وی بیعت کردید، اما بیعت خود را شکستید و او را به قتل رساندید پس هلاکت بر شما باد و با این توشه‌ای که به آخرت فرستادید هلاکت بر شما باد. چه رأی زشت و پلیدی را که برای خود پسندیدید! آنگاه که به دیدار پیغمبر خدا (ص) می‌شتابید و به شما بگوید: «عترت مرا کشتید، هتک حرمت مرا کردید.» با چه دیده‌ای به او نظر خواهید کرد؟ و سرانجام به شما خواهد گفت: «از امت من نخواهید بود»¹

این احساس گناه عامل همیشه شعله‌وری بود که مردم را برای شورش و انتقام جویی همواره به جلو می‌راند.

استاد «عادل ادیب» در این باره می‌نویسد: شهادت فجیع امام حسین (ع) در کربلا موجی شدید از احساس گناه در وجدان هر مسلمانی برانگیخت. آنان پی بردند که می‌توانستند او را یاری دهند. اما از آن پس که با او برای قیام پیمان بستند، او را یاری نکردند. این احساس گناه دو جنبه داشت: از یک طرف انسان را وادار می‌ساخت که گناهی را که مرتکب شده با کفاره بشوید، و از طرف دیگر نسبت به کسانی که او را به ارتکاب چنین گناهی واداشته بودند، احساس کینه و نفرت کند. به طوری که انگیزه انقلابهای متعددی که در اثر قتل امام (ع) برپا شد، همان کفاره یاری نکردن به حضرت او، و انتقام گرفتن از امویان بود.

مقدر چنین بود که آتش این احساس گناه، پیوسته برافروخته بماند و انگیزه انتقام از بنی امیه در هر فرصت به انقلاب و قیام بر ضد ستمگران منتهی گردد. 2

باری ، بر اثر شهادت امام حسین (ع) این آیه شریفه مصداقی روشن یافت:

«و یوم یعض الظالم علی یدیہ» 3

و روزی که ستمکار دستهای خود را از پشیمانی می‌گذرد.

3- از دید محبوبیت سید الشهداء (ع) و خاندان وحی

سؤمین اثر مهم تربیتی قیام و شهادت سیدالشهداء (ع) ، بالا بردن محبوبیت خاندان حضرت علی (ع) در اجتماع اسلامی و شناساندن بیشتر و بهتر آنان به مردم بوده است .

مسئله داشتن محبوبیت و قبضه کردن افکار اجتماع از مسائل حیاتی و مهمی است که همواره مورد نظر حکومتها بوده و هست . حکومتها هر چند به طور اکثر تکیه گاه بزرگی جز قدرت ندارند، اما به خوبی می دانند که نیرومندتر از قدرت نظامی ، جایگاهی است که در دل‌های مردم می‌باشد، وسعی دارند آن را برای خویش به دست آورند . معاویه نیز با همه تلاشهای شیطانی خود به طور کلی می خواست دو چیز را به دست آورد: یکی محبوبیت بخشیدن به خاندان و شجره خبیثه بنی امیه ، و دیگری سقوط خاندان و شجره طیبه حضرت علی (ع) از محبوبیت . متأسفانه معاویه در این تلاش خود موفقیت بسیاری هم کسب کرد. اما با ظهور حماسه حسینی و جانبازیهای مردان راستین خدا، نفوذ معنوی و اعتبار روحانی عمیقی برای سیدالشهدا و اهل بیت (ع) ایجاد نمود .

به طوری که هر چه از آن واقعه می گذشت مردم بیشتری به خاندان حضرت علی (ع) جذب می‌شدند این محبوبیت رفته رفته چنان بالا گرفت که عده‌ای برای خونخواهی و به نام هوا داران از خاندان رسول خدا (ص) دست به قیام زدند.

آری ، اگر حسین بن علی (ع) پیش از نهضت مردانه‌اش به عنوان امام وقت و سبط پیغمبر و فرزند علی و فاطمه، و بزرگترین شخصیت از خاندان وحی شناخته می‌شد، پس از قیام با حفظ مقامات سابق، به نام عالیترین و کاملترین نمونه مردانگی و مجاهدت و فداکاری در راه خدا و حقیقت شناخته شد.

«مسیوماربین آلمانی» در این خصوص می‌نویسد: «مهمترین اثر این نهضت این بود که ریاست روحانی که در عوالم سیاست اهمیت شایانی داشت، مجدداً به دست بنی‌هاشم افتاد، و به ویژه در بازماندگان حسین (ع) مسلم گردید، و چندی طول نکشید که (حکومت) ظلم و جور معاویه و جانشینان او منهدم شد و در کمتر از یک قرن قدرت از بنی امیه سلب گردید. منهدم شدن (قدرت) بنی امیه به قسمی شد که امروز نام و نشانی از آنها نمودار نیست و اگر در متن کتب تاریخی نامی از این قوم ذکر شده در تعقیب آن هزاران نفرین و ناسزا هم نوشته شده است، و این نیست مگر به واسطه قیام امام حسین (ع) و یاران با وفای او» 4

پی نوشتها:

1- سیره امامان ، سید محسن امین ، ص 188

2- زندگانی تحلیلی پیشوایان م، عادل ادیب ، ص 149

3- سوره فرقان ، آیه 27

4- نقل از کتاب درسی که حسین به انسانها آموخت شهید هاشمی نژاد، ص 445

علیرضا رجالی تهرانی